

# ایمان دینی در اسلام و مسیحیت

● گفت و گو: علیرضا گنجی

اخیراً کتاب ایمان دینی در اسلام و مسیحیت از سوی کانون اندیشه جوان منتشر گردید. با توجه به اهمیت موضوع و نگاه جدید کتاب به آن، گفت و گویی با مولف محترم آن جناب حجة الاسلام محمدتقی فعالی داشته‌ایم که از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

تنها کسی است که دیوارهای زندان خودیت را فرومی‌ریزد و با فرار از دیوارهای بلند پوچی، اضطراب و ناامنی، با خدا زندگی می‌کند. بعد از قرآن ما با روایات اهل بیت (ع) مواجهیم. در احادیث معصومین (ع) دهها و صدها حدیث درباره ایمان به چشم می‌خورد که هریک پرده از گوشه‌ای از سیمای این امر ارزشمند برمی‌گیرد. غوص در بیکرانه احادیث، محقق را به عمق دریای ایمان می‌برد و او را مات و مبهوت می‌نهد. جوامع روایی بخصوص مأخذ و منابع شیعه آکنده از کلمات و سخنان ارزنده‌ای است که هریک اطلاعاتی جدید و جنبه‌ای پنهان از ایمان را آشکار می‌کند و در یک جمله غور در بحر احادیث هر تشنه‌ای را سیراب و هرافت‌زده‌ای را مداوا می‌کند.

● آیا ایمان در جهان مسیحیت هم مانند جهان اسلام مطرح بوده

است؟

بله، مسئله ایمان منحصر به آیین اسلام نیست، ادیان توحیدی اعم از اسلام، مسیحیت و یهود، همگی بر این امر حیاتی اصرار و پافشاری دارند

● لطفاً در آغاز از انگیزه‌های خود در تالیف این کتاب برای خوانندگان کتاب ماه بفرمایید.

انگیزه‌های بنده از نگارش این کتاب در سه چیز خلاصه می‌شود. اولین عاملی که موجب شد تا بنده دست به فراهم‌سازی کتاب ایمان بزنم، اهمیت مسئله است. پدیده ایمان خاستگاهی قرآنی دارد ایمان در قرآن مهمترین ملاک ارزش است، شخصی که از ایمان دور باشد از سعادت، کمال و فضیلت فاصله گرفته است ایمان در فرهنگ قرآنی، نهالی است که اگر در قلب آدمی بروید و از چشمه سار معرفت و عمل صالح آب خورند درختی تنومند و پربرگ و بار می‌گردد. درخت ایمان نوری است از عالم جبروت که از مشرق جذبه الهی بر جان سالک می‌تابد. فیضی است از آسمان قدسی حق که همچون نسیمی جان عاشقان را می‌نوازد و ایمان سرّی است از اسرار عالم برین که به زمین تفتیده و تشنه بشرحیاتی طیب و زایشی نو می‌بخشد. مؤمنان تحت عنایت ویژه پروردگار قرار دارند و به همین نسبت به وادی نور و سرای بهجت وارد می‌شوند. انسانی که در تاریکترین و دورترین عوالم زاده شده است، تنها با ایمان است که به عوالم غیب هدایت می‌شود و مؤمن



## انسانی که در تاریکترین و دورترین عوالم زاده شده است، تنها با ایمان است که به عوالم غیب هدایت می‌شود و مؤمن تنها کسی است که دیوارهای زندان خودیت را فرومی‌ریزد و با فرار از دیوارهای بلند پوچی، اضطراب و ناامنی، با خدا زندگی می‌کند



درباب ایمان دینی بازمی‌گردد. امروزه در کشور ما در این زمینه مباحثی مطرح است که اینجانب را بر آن داشت تا درباره ایمان به طور تطبیقی کتابی فراهم کنم و قرائتی از ایمان را که به نظر من معتبر است مطرح نمایم. حاصل آنکه دوای و انگیزه‌های بنده به سه امر بازمی‌گردد؛ اهمیت، رنگ معرفت شناختی داشتن و حساسیت کنونی.

○ اینجا می‌خواهیم از زبان شما در مورد ویژگیهای کتاب خودتان صحبت بفرمایید.

به نظر من این کتاب سه ویژگی دارد؛ یکی اینکه رنگ تطبیق و مقایسه دارد و نوعی مواجهه انتقادی با بسیاری از نظریه‌ها و برداشتها دارد، دوم آنکه جمع و جور است، یعنی از توضیحات بیش از حد و تطویل ممل پرهیز شده است. چنانکه سعی شده است اجمال زیان آور نیز نداشته باشد، سوم آنکه به نظر من قلمی روان و باب طبع داشته باشد.

○ به نظر شما مسائل مهمی که امروزه درباره ایمان دینی مطرح است، چه مسائلی هستند؟

امروزه مهمترین مسئله، چستی ایمان است. همچنین رابطه ایمان با معرفت و نسبت ایمان با عمل و شریعت از اهمیت خاصی برخوردار است. امروزه در این زمینه‌ها آرا و نظریات گوناگون و مختلفی مطرح شده است.

○ حالا بعد از مقدماتی که بیان کردید، مقداری هم درباره ماهیت و چستی ایمان توضیح بفرمایید.

معتقدم، برای شفاف سازی این واژه در قرآن باید از روش «ایضاح درونی» استفاده کرد. در این روش یک واحد کلام، نظیر کل قرآن را در نظر گرفته و تمام آیات مربوط به ایمان را که اطلاعاتی در این زمینه می‌دهند، جمع آوری کرده در کنار یکدیگر می‌نشانیم. سپس از هر تعبیر و جمله‌ای اطلاعاتی جدید دریافت کرده، آن را با معلوماتی که از آیات دیگر بدست آورده‌ایم منضم می‌کنیم تا از این طریق آهسته آهسته دامنه برداشت خود را توسعه دهیم و تدریجاً به تصویری جامع برسیم. بدین ترتیب شاکله و ساختار ایمان کم کم در ذهن ترسیم می‌شود و می‌توان به مفهومی زلال از آن در قرآن دست یافت. در این روش که مشابه روش تفسیر آیه به آیه است، هر چه دقت، ظرافت و معلومات پیشین بیشتر باشد، طبعاً اوصاف و ویژگیهای افزون تری آشکار خواهد شد. با این روش می‌توان به تفسیر روشنی از ایمان در قرآن رسید و مسئله‌های ناشناخته را با مراجعه به آیات قرآن کریم از طریق استقرای آیات و گردآوری معانی، واضح نمود. آنچه حاصل می‌شود تعریف و حقیقت ایمان خواهد بود. در نهایت می‌توان به این پرسشها پاسخ داد. ایمان چیست؟ اگر انسان چه انجام دهد، ایمان آورده است؟ انسان مؤمن کیست؟

○ اگر ما شیوه ایضاح درونی را در پیش بگیریم از قرآن چه ویژگی‌هایی

که تنها مؤمنان اهل فلاح و نجات و رستگاری اند. کتب مقدس به جد از دینداران می‌خواهد تا ایمان خود را افزایش داده و درصدد تقویت و تکمیل آن باشند، تا بیشتر و بهتر از منافع و ثمرات آن بهره‌برگیرند به هر حال، مسئله ایمان امری «بین‌الادیانی» است و ضرورتی نخستین و عام دارد البته در این زمینه میان اسلام و مسیحیت تفاوتی وجود دارد و آن اینکه مسئله ایمان در جهان اسلام در سده‌های آغازین به طور جدی مطرح بوده و نسبت به آن تأکید وافر می‌شده است. اما پس از مدتی این بحث رو به افول گذارد. در جهان مسیحیت امر تقریباً معکوس است زیرا علیرغم تأکید کتاب مقدس، این مسئله در آغاز چندان ظهور و بروز نداشت، اما در قرون وسطی توسط اندیشمندان چون آگوستین، آنسلم و آکویناس مطرح شدند. این مسئله تا به امروز در جهان مسیحیت مراحل را گذرانده است و در رابطه با ایمان دینی ما با نظریه‌های متعددی مواجه هستیم.

در تکمیل انگیزه نخست باید عرض کنم که ایمان امروزه تا بدان حد نقش آفرین شده است که در بسیاری از مسایل حیاتی و عملی می‌تواند تأثیرات مهمی برجای گذارد. امروزه ایمان با مسائل حکومتی پیوند خورده است و مسائلی از این دست را مطرح می‌کند: آیا رفاه با ایمان سازگار است؟ مبانی ایمانی تصمیم‌گیری سیاسی چیست؟ آیا ایمان دینی ما را به سوی نظریه‌ای مشخص در باب حکومت و سیاست هدایت می‌کند؟ از دیگر مسائلی که در گفتمان معاصر مطرح است اینکه: آزمون تاریخی ایمان چگونه است؟ نقش ایمان در مرحله مدرنیته و نیز پست مدرن چیست؟ آیا انسان معاصر، ایمان را یکسره به کناری خواهد نهاد یا آن را احیا خواهد نمود؟

انگیزه دوم بنده این است که ایمان در فلسفه معاصر بیشتر رنگ و بوی معرفت‌شناسی دارد. حال از آنجا که اینجانب محدوده مطالعات خودم را عمدتاً در حوزه معرفت‌شناسی قرار داده‌ام به طور طبیعی به این بحث کشیده شدم. اگر بخواهم بطور اجمال در این زمینه توضیح بدهم باید بگویم که معرفت‌شناسی معاصر دو حوزه و قلمرو دارد؛ یکی عام و دیگری خاص. در معرفت‌شناسی عام به تحلیل معرفت به طور کلی، عناصر سازنده آن و مشکلات موجود می‌پردازند، همانگونه که در فلسفه اولی به تحلیل وجود به طور کلی و تقسیمات آن پرداخته می‌شود. اما در معرفت‌شناسی خاص، نگاه معرفت‌شناس به حوزه‌های خاص معرفتی است. اگر وی به حوزه معارف علمی پرداخت، در اینصورت معرفت‌شناسی علمی (فلسفه علم) در اختیار ماست. اگر معرفت‌شناس در قلمرو معارف عرفانی کند و کاو کرد، او معرفت‌شناسی عرفانی را بنا نهاده است. همچنین اگر محدوده مطالعات معرفتی، حوزه معارف دینی باشد، ما با معرفت‌شناسی دینی روبرو هستیم. ایمان، یکی از مباحث عمده معرفت‌شناسی دینی است. لازم به ذکر است که ایمان در فرهنگ اسلامی هم رنگ معرفت‌شناختی دارد و هم صبغه کلامی - فلسفی، که باید به آن نیز توجه داشت.

نهایتاً باید عرض کنم که سومین انگیزه بنده به قرائت‌های موجود

بشر الذین امنوا و عملوا الصالحات ان لهم جنات (بقره / ۲۵) . ویژگی سوم آن است که جایگاه ایمان قلب است لذا اگر معارف صحیح و دینی به قلب وارد شود و جان آدمی مهبط آن قرار گیرد، ایمان پدید آمده است . خصیصه چهارم ایمان اینکه امری فطری و برآمده از سرشت و نهاد آدمی است . ندای فطرت، ایمان به خداست . ایمان دینی در قرآن به اموری از قبیل خدا، قیامت، ملائکه، رسل و غیب تعلق گرفته است و این از دیگر خصائص ایمان است . دیگر ویژگیهای ایمان در قرآن عبارتند از اینکه: ایمان ، عملی کاملاً ارادی و اختیاری است ، ایمان افزایش پذیر و کاهش بردار است ایمان دارای علائم و نشانه‌هایی است و بالاخره اینکه از دیدگاه قرآن موانعی از ظهور یا تقویت ایمان جلوگیری می‌کند .

### ○ آیا ایمان جنبه استدلالی و عقلانی می‌تواند داشته باشد؟

چنانکه عرض شد ایمان مسبوق به معرفت و تعقل است . حاصل استدلال اگر در قلب رسوخ کند، ایمان پدید می‌آید بنابراین شناخت و معرفت مقدمه و شرط لازم برای ایمان است، اما شرط کافی نیست البته این که می‌گوئیم ایمان مبتنی بر استدلال است ، مراد استدلالهای پیچیده فلسفی نیست ، استدلال می‌تواند بسیار ساده و بسیط باشد شبیه استدلال آن پیرزن ریسنده برای رسول گرامی اسلام (ص) . از سوی دیگر عمل از ایمان متولد می‌شود . بنابراین ایمان حاصل معرفت و مؤثر در عمل است؛ ایمان چونان حلقه وصلی است که در وسط معرفت و شریعت ایستاده است از یکسو معرفت را به صحنه زندگی می‌آورد و از سوی دیگر نظام عملی و رفتاری انسان را بر پایه‌های محکم اعتقادی بنا می‌کند.

### ○ مطالبی در مورد بحث ایمان در قرآن بیان کردید اگر ممکن است

به طور مختصر اشاره‌ای هم به نظر اندیشمندان مسلمان بفرمایید . درباره ایمان سه دیدگاه پدید آمد؛ یکی دیدگاه اشاعره است آنها معتقد بودند ایمان عبارت است از «تصدیق» براین اساس عمل در مفهوم ایمان دخالتی ندارد این نظریه شبیه دیدگاه مرجئه و ابوحنیفه و ماتریدیه می‌باشد. ایمان از منظر معتزله با سه مسئله از مسائل پنج گانه این مکتب مرتبط است. از نظر این مکتب عمل در معنای ایمان دخالت تام و تمام دارد به گونه‌ای که تارک عمل از جرگه مؤمنان خارج است و فاسق خواهد شد. ایمان وقتی حاصل است که انسان به عمل می‌پردازد، در یک جمله ایمان مؤمنانه زیستن است . از دیدگاه متفکران شیعه ایمان معادل «معرفت» است . شیخ مفید، سید مرتضی ، شیخ طوسی ، علامه مجلسی ، و علامه حلی همین دیدگاه را درباره ایمان برگزیدند. این نظریه همچنین مورد تأیید فلاسفه ای چون صدرالمناهلین قرار گرفته است.

### ○ اکنون مناسب است مقداری به جهان مسیحیت برویم و ایمان را

از دید آنان بررسی کنیم . واقعیت آن است که در فرهنگ مسیحیت در رابطه با ایمان لااقل دو قرائت وجود دارد؛ دیدگاه کلاسیک و دیدگاه مدرن . دیدگاه سنتی براین اعتقاد است که خداوند در فرایند وحی یک سلسله گزاره‌هایی را القا می‌کند . اگر چنین مستمسکی از بشر گرفته شود ، انسان راه دیگری برای دسترسی به این باروها و گزاره‌ها در اختیار نخواهد داشت، حتی عقل طبیعی در این زمینه ناتوان است. ایمان ، باور به چنین گزاره‌هایی است که خداوند از طریق وحی در اختیار بشر نهاده است و از این رو صادق و صحیح خواهند بود



رسال جامع علوم انسانی

### را می‌توان برای ایمان به دست آورد ؟

از قرآن شریف می‌توان ویژگیهای مختلفی را درباره ایمان حاصل نمود؛ یکی آنکه ایمان با تعقل ارتباطی تنگاتنگ و نزدیک دارد « لا اکره فی الدین قد تبین الرشد من الغی فمن یکفر بالطاغوت و یومن بالله ... » (بقره / ۲۵۶) در این آیه نخست اکره در دین نفی شده است ، سپس ضمن اشاره به تمایز واضح میان حق و باطل - رشد و غی - مسئله کفر و ایمان را مطرح می‌فرماید . حاصل آنکه انسان با تأمل و تفکر و به کار بستن عقلانیت، بدون هیچ اکره و اجباری می‌تواند میان کفر و ایمان یکی را برگزیند . نتیجه‌ای که از اینجا حاصل می‌شود اینست که ایمان با شکاکیت سر سازش ندارد و این دیدگاه دقیقاً مقابل ایمان گروهی شکاکانه کرگارد است؛ با « ما کان له علیهم من سلطان الا لنعلمن من یؤمن بالاخره ممن هومنها فی شک (سبا/ ۲۱)

ویژگی دوم ایمان آن است که با عمل و نیز شریعت رابطه‌ای ناگسستنی دارد، ارتباط ایمان و عمل صالح تا بدان پایه مستحکم است که در قرآن هرگاه سخن از ایمان است، بلافاصله عمل صالح بر آن عطف می‌شود؛ «و





شخصی که حقیقتاً نگران وضع خویش است، هرگز هستی خود را در معرض مخاطره قرار نمی‌دهد، تا با مطالعه بیشتر و با یافتن قراین افزون تر تصمیم بگیرد که آیا خدا را قبول کند یا خیر! بلکه او می‌داند که «هر لحظه‌ای را که بدون خدا سر کند ضایع شده است»



عوامل دست به دست هم دادند تا بستر لازم جهت تلقی نوینی از دین، ایمان و وحی پدید آید. شلایر ماخر نخستین کسی بود که بطور صریح دین را «احساس اتکای مطلق» تلقی کرد. به دنبال او آراء دیگری از سوی اوتولیش و کرگارد مطرح شد و همه براین باور پای فشرده‌اند که تنها قرائت احساسی و درونی از ایمان می‌تواند مورد قبول واقع شود.

**○ جنابعالی به دو تلقی کلی در باره ایمان اشاره کردید، مناسب است به طور جزئی و مشخص هم به این دیدگاهها اشاره شود.**  
ج: در زمینه نظریه گزاره‌ای باید بگویم که دیدگاه‌هایی وجود دارد که اهم آنها دیدگاه توماس آکویناس، دیدگاه مذهب کاتولیک و دیدگاه تنانت می‌باشد. در مقابل، نظریه اراده‌گرایانه نسبت به ایمان وجود دارد که ایمان را به صورت امری احساسی، روحی و درونی تلقی می‌کند دیدگاه پاسکال، نظریه ویلیام جیمز و نظریه پل تیلیش را در این زمینه می‌توان ارزیابی کرد. البته هریک از این دیدگاهها، مؤلفه‌ها و عناصری دارند و نیز از کاستیهایی رنج می‌برند.

**○ بنظر می‌رسد یکی از دیدگاههای مورد بحث و پردامنه اخیر درباره ایمان را می‌توان «ایمان گروهی» دانست، اگر ممکن است در این زمینه توضیحی بفرمایید.**

ایمان گروهی جنبشی است در فلسفه دین و معرفت شناسی دینی که به خصوص در نیمه دوم قرن بیستم تحت تاثیر مستقیم تعالیم ویتگنشتاین توسعه یافت و برخی دیگر از فلاسفه متأخر هریک به نحوی بر گستره آن افزودند و براساس رای محوری ویتگنشتاین، دین همانند علم و هر فعالیت دیگر انسانی، شکلی از حیات است. وظیفه فیلسوف هرگز تلاش برای یافتن «دلیل و شاهد» یا «توجیه عقلانی» به نفع باور به خدا نیست، بلکه وی باید فعالیت های متنوعی را که به حیات انسانی شکل دینی داده است، توضیح دهد. در این طریقه، شناخت دینی مبتنی بر آگاهی عقلی یا طبیعی نیست، بلکه فقط بر ایمان استوار است. این دیدگاه ترکیب و تألیفی است از شکاکیت کامل لااقل در قلمرو دینی - همراه با توسل به معرفتی که از راه ایمان و نه دلیل عقلی حاصل می‌شود. در واقع اهل ایمان کوشش‌هایی را که آدمیان برای فهم خدا از طریق عقل خود کرده‌اند، نمونه‌ای از غرور و خودبینی انسانی توصیف نموده‌اند.

به نظر آنان چنین تلاشی برای سنجیدن عالم الهی است با موازین ضعیف فهم انسانی. برای پرهیز از این گستاخی و بی پروایی ناروا آدمی باید دریابد که یک شکاک فلسفی بودن، نخستین و اساسی ترین گام به سوی این است که یک دیندار درست اعتقاد باشد. ایمان‌گرایی دیدگاهی است که نظام های باور دینی را موضوع ارزیابی و سنجش عقلانی نمی‌داند، مثلاً اگر گفتیم «ما به وجود خدا ایمان داریم» در واقع گفته‌ایم که ما این باور را مستقل از هرگونه دلیل و استدلالی پذیرفته‌ایم.

سورن کرگارد، کسانی را که دین را به مدد قراین و براهین می‌کاوند، تمسخر می‌گیرد. شخصی که حقیقتاً نگران وضع خویش است، هرگز هستی خود را در معرض مخاطره قرار نمی‌دهد، تا با مطالعه بیشتر و با یافتن قراین افزون تر تصمیم بگیرد که آیا خدا را قبول کند یا خیر! بلکه او می‌داند که «هر لحظه‌ای را که بدون خدا سر کند ضایع شده است». از نظر کرگارد تناقض ایمان و عقل به این معناست که اعتقاد با استدلال نسبت معکوس دارد: هرچه دلایل کمتر باشد بهتر است، ایمان و استدلال نقیض یکدیگرند.

د. ایمان بدین معنا نوعی شناخت و آگاهی است که متعلق آن گزاره‌ها و باورهای دینی اند و براین اساس ایمان همیشه تقدس خواهد بود.

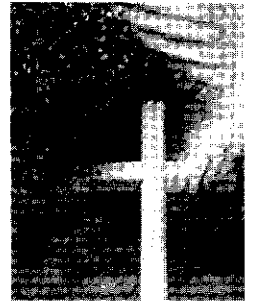
دیدگاه دوم نسبت به ایمان این است که خداوند از طریق وحی، گزاره به انسان نمی‌دهد، بلکه وحی تجلی خداست. او خود را نشان می‌دهد و بشر با او مواجهه مستقیم پیدا می‌کند. براین اساس ایمان سرسپردگی و تعهد به خداست. ایمان در این معنا اعتماد، اطمینان و توکل است، با این تفاوت که اگر گفتیم ما به خدا اعتماد داریم، یعنی او را پشتوانه روحی خود قرار داده‌ایم، و اگر گفتیم ما به خدا اطمینان داریم، بدین معناست که ما با او به آرامش می‌رسیم، و اگر گفتیم ما بدو توکل کرده‌ایم، بدین معناست که مشکلات خود را به دوش او انداخته‌ایم.

ایمان در معنای دوم از سنخ شناخت و آگاهی نیست، بلکه یک حالت روحی و ره یافتی روانی خواهد بود. همچنین متعلق آن گزاره نمی‌باشد. نتیجه آن که ایمان در این دو معنا از دو جهت تفاوت دارد: ایمان به معنای نخست از مقوله معرفت است و همیشه به یک گزاره تعلق می‌گیرد؛ ولی در معنای دوم حالتی است روحی و به شیء یا شخص یا قول تعلق دارد. خلاصه آن که ایمان به معنای معرفت، باور که است و به معنای حالت، باور به، زیرا گاهی می‌گوییم: «ایمان دارم که خدا هست» این معنای کلاسیک ایمان بود و گاهی می‌گوییم: «من به خدا ایمان دارم» که ناظر به معنای دوم است. منشأ اختلاف را شاید بتوان در ریشه لغوی واژه faith پیگیری کرد. اگر این واژه را از ریشه لاتین faducia بدانیم، از سنخ معرفت نیست و نوعی حالت روحی خواهد بود؛ ولی اگر از ریشه لاتین fides اخذ شده باشد، از سنخ علم و آگاهی می‌باشد. ایمان به معنای دوم را مفهوم معرفتی ایمان یا «ایمان گزاره‌ای» می‌گویند.

**○ شما ضمناً به تفاوت میان این دو تلقی مهم اشاره کردید، اما سوال مهمی که اینجا مطرح می‌شود اینکه چه عواملی موجب شد نگاه غرب نسبت به ایمان به معنی کلاسیک آن دگرگون شود؟**

واقعیت آن است که در دو قرن هیجده و نوزده در جهان غرب حوادث و تحولات مهمی رخ داد که تاثیرات شگرفی در پی داشت در این میان عواملی پدید آمد که نگاه جهان غرب را نسبت به دین به کلی دگرگون ساخت، اگر بخواهیم برخی از این عوامل را متذکر شویم، نخست باید به تلاشهای کانت اشاره کنیم. می‌دانیم کانت دین را از محدوده عقل نظری خارج کرد و آن را به حوزه عقل عملی وارد ساخت و از سوی دیگر معتقد شد که اگر اخلاق را حاصل دین بدانیم، در این صورت به دین نگاه ابزاری شده است. برای این که تلقی ابزارانگارانه نسبت به دین صورت نگیرد، پیشنهاد کانت این بود که دین را حاصل اخلاق بدانیم. از این طرز تلقی چنین برداشت شد که دین بطور عمده رنگ و بوی اخلاق را دارد، دین اخلاقی طبعاً دینی عاطفی، درونی و شهودی خواهد بود.

عامل دوم نقد کتاب مقدس است. تا پیش از این چنین تصور می‌شد که کتاب مقدس مصون از خطا و تحریف است. اما پرائر یکسری مطالعات جدید، محققین به این نتیجه رسیدند که اناجیل اربعه دست نوشته پیروان عیسی مسیح (ع) است، بعد از این برداشت تقدس‌های گوناگونی نسبت به عهدین و مفاهیم دینی صورت گرفت، لذا وحی آسمان تکذیب شد و به دنبال آن ایمان گزاره‌ای هم مورد تردید قرار گرفت. و ایمان احساسی جایگزین آن شد. عوامل دیگری نیز به کار بودند از جمله: ظهور مکتب رمانتیک، تعارض علم و دین و نهایتاً مخالفت با الهیات طبیعی. تمام این



موضوع مهم، دانش واقعی نیست، بلکه فهمی عمیق از خود و از وجود انسان است مهم نیست که چه می‌دانیم، مهم آن است که چگونه از خود عکس‌العمل نشان دهیم.

به عقیده او ایمان نوعی تعهد است، نوعی جهش است، مستلزم سرسپردگی به امر مطلق است. وی همچنین ایمان را از مقوله ورزش می‌داند، زیرا هر چه تناقص ایمان و عقل بیشتر باشد، شخص در ایمان آوردن نیازمند زورآزمایی بیشتری است. موضع کرکگارد به جنبش فلسفی اگزیستانسیالیسم یاری فراوان داد. هم چنین این موضع الهام بخش کارل بارت و رودولف بولتمان شد.

دیدگاه دیگری که به عنوان موضعی درمقابل عقل‌گرایی حداکثری مطرح شد تا حدی از موضع ایمان‌گرویی سخت کرکگارد هم تنزل کرد، عقل‌گرایی انتقادی است. این طرز تلقی فرض را بر این می‌گذارد که ایمان‌گرویی و عقل‌گرایی حداکثری هردو بر خطا رفته‌اند. از این رو می‌خواهد راه میانه‌ای را نشان دهد. در این نگرش اعتقاد بر این است که ما بر خلاف ایمان‌گراها می‌توانیم به امکان نقد و ارزیابی مبانی ایمان قائل شویم. همچنین به رغم عقل‌گرایی حداکثری، مدعی است که با بررسی‌های عقلانی محض، نمی‌توان به اثبات قاطعانه نظام ایمانی رسید. بنابراین با تأکید بر باز بودن پرونده ارزیابی پایه‌های نظام ایمانی، می‌توان به اعتقادی ایمان آورد و در عین حال نباید اثبات و صحت آن را تمام شده تلقی کرد. خلاصه آن که عقل‌گرایی انتقادی به جای اینکه به اثبات‌پذیری قطعی مبانی ایمانی معتقد باشد، بر نقش انتقادی عقل در سنجش و ارزیابی ایمان پای می‌فشارد.

مایکل پترسون، ویلیام هاسکر و بروس رایشن باخ از معروف‌ترین متفکران این نحله، برای همیشه باب انتقاد را در باب ایمان دینی مفتوح دانسته‌اند. این دیدگاه از دو جهت خود را سخت محتاج توجه به آرای رقیب می‌داند. از یکسو با بررسی دیدگاه‌های رقیب بر خود فرض می‌داند تا محاسن و نکات مثبت آن را بگیرد و جذب کند، و از سوی دیگر با توجه به انتقادهای رقیب در کاهش کاستیها و رفع کمبودها می‌کوشد. و این همان معنای پایان‌ناپذیر بودن تأملات انتقادی است.

○ یکی از مباحث مهم ایمان دینی، تحقیق‌پذیری ایمان است در این زمینه هم توضیحاتی بفرمایید.

در ابتدا باید بگوییم که در سال ۱۹۴۸ میلادی در دانشگاه آکسفورد انگلستان، یک گردهمایی برای بحث در برخی مسایل دینی برگزار شد. در آن جا مناظره‌ای میان سه فیلسوف اتفاق افتاد که از اهمیت خاصی برخوردار است. آن سه فیلسوف عبارتند از: آنتونی فلو، هر و بازل میچل. این مناظره از آن جهت که هر سه سخن‌نویس‌انگفته‌اند و مباحثی جدید را طرح کرده‌اند بسیار جالب و جنجال‌برانگیز بود. فلو در پایان از این مناظره یک جمع‌بندی مناسبی را ارائه داد.

آنتونی فلو در آن گردهمایی «نظریه ابطال‌پذیری» را مطرح کرد. البته قبل از او پوپر این نظریه را اظهار کرده بود ولی ابتکار فلو آن است که این اصل را به فلسفه دین کشاند و با این ملاک به تحقیق‌پذیری گزاره‌های دینی پرداخت. نتیجه‌ای که آنتونی فلو از

اصل ابطال‌پذیری و داستان باغبان می‌گیرد این است که تعقل و ایمان با یکدیگر سازگاری ندارند.

هر، فیلسوف اخلاق انگلیسی در این مناظره سخن خود را با داستان دیوانه آغاز کرد و به این نتیجه منتهی شد که میان تعقل و ایمان نوعی عدم ارتباط وجود دارد هرچند زندگی براساس ایمان یا کفر کاملاً به دو شکل خواهد بود. سرانجام بازل میچل داستان پارتیزانها را مطرح کرد و با انتقاد از دو دیدگاه سابق به تحقیق‌پذیری ایمان دینی معتقد شد از سوی دیگر می‌دانیم که جان هیک با طرح نظریه «تحقیق‌پذیری اخروی» گامی مهم در این زمینه برداشته است.

○ در پایان اگر جناب‌عالی مطلب ناگفته‌ای دارید بفرمائید.

نکته‌ای را که می‌خواستم بر آن تأکید کنم اینست که بسیاری از دیدگاه‌های جهان غرب نوعی عکس‌العمل است لذا هر نظریه ناظر به نظریه سابق و نظریه سابق نیز ناظر به نظریه پیش از خود است، به بیان دیگر روند تکون و پیدایش نظریات در هر جامعه متأثر از فرهنگ بومی آن جامعه است، لذا تناسبی تام و تمام با آن فرهنگ دارد. حال اگر فرهنگ دیگری را در نظر بگیریم، این نظریات هرگز نمی‌توانند مدلی مناسب و مطلوب برای آن باشند این یک حقیقت مسلم است که ما فرهنگی خاص به خود داریم این فرهنگ بومی حاوی یک سلسله مؤلفه، عناصر و ارکان خاصی است که باید آنها را شناخت و در هر گونه برنامه‌ای از جمله پروژه‌های فرهنگی مد نظر قرار داد، اگرما به برنامه‌ها و انسانهای موفق در تاریخ ایران نگاه کنیم این ویژگی رابطور شاخص و بارز در آنها می‌بینیم که کاملاً به دقت خصایص و ویژگیهای فرهنگ بومی ایران را در نظر گرفته‌اند و ما هم جز این راهی در پیش نداریم لذا نه غرب و نه شرق نمی‌توانند مدل و الگوی مناسب برای ما باشند. اگر ما دوره مدرن داشته باشیم - که می‌توانیم داشته باشیم - ویژگیها و خصایص آن کاملاً متناسب با تفکرات دینی ماست و این مسئله مهم و حیاتی است.

○ شنیده‌ایم که کتاب شما مورد توجه مقام معظم رهبری واقع شده است، اگر ممکن است در این زمینه توضیحی بدهید.

مسئول محترم پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی حجه‌الاسلام والمسلمین صادقی رشاد می‌گفتند در ملاقاتی که با مقام معظم رهبری داشته‌اند ایشان از این کتاب اظهار رضایت فرموده و اظهار داشته بودند که «این، همان چیزی است که من می‌خواستم». ظاهراً تطبیقی بودن و روان بودن آن مورد توجه معظم له قرار گرفته بود. این نکته برای من جالب بود که ایشان با آن مشغله‌های فراوان چگونه فرصت مطالعه کتابی در این حجم را دارند و خصایص آن را با دقت متذکر می‌شوند در همان جلسه پیشنهاد ترجمه این کتاب نیز مطرح شده و بنده خدای سبحان را شاکرم که توانسته‌ام چند کلمه‌ای بنگارم که مورد رضایت ایشان قرار گیرد. همچنین از شما دست‌اندرکاران کتاب ماه که این فرصت را در اختیار بنده گذاشته‌اید صمیمانه تشکر می‌کنم.



کتاب‌بین

